

در دولت فلک از اصحات تجارت یک نفر از ماجری دیگر نقد هزار و پانصد تومان پول  
 کاغذی که اسکناس بنامند بمانت گرفته و برده در دولا ب گذاشته بود صبح که رفته  
 اوراق اسکناس را بردارده دیده بود که موشها همه در پاره پاره کرده اند کاغذهای پاره را  
 برداشته بنزد صاحبش برده نشان داده و ماجرا را بیان نموده بود صاحب اسکناس گفته  
 من اسکناس درست صحیح بوده ام دستخ و چه آنستم گذارش بحکومت رجوع شد حکم  
 که مشا را به از عهد و تجاره صاحب اسکناس بر آید آن چچاره تجاره را داده و مجلس این  
 که در یک شب هزار و پانصد تومان او صرف مغانی موشها شده بود (دیگر نوشته اند که از آن  
 لندن شخصی است یکسال را که عمارت از سیصد و شصت و پنج روز باشد اراده کرده که هر  
 شبی را بیضافت گذرانده و بعد ایتام فرور شتری پیدا نماید و اعلام نموده است که هر کس  
 عرض یکسال کیب تعهد صیافت نماید آمده بیان حال بکند با وجه اعطا خواهد شد  
 (دیگر نوشته اند که نواب پرس ده ژوایل پسر لوی فلیپ پادشاه سابق فرانسه  
 سابقا سیاحت با سلامبول آمده و از آنجا باز نیر رفته بود موجب روزنامه که این اوقات  
 رسیده است از آنجا سمیت ناپولی غمیت نموده است) (سابقا نوشته شده بود که  
 اعلیحضرت پادشاه دولت پروس چند وقت پیش ازین قدری نامراج گردیده و بجهت کسرت  
 مزاج اجزای امورات مملکت دولتی را بر وجه و خواه مقدر شده در برلین که مقر حکومت است  
 و بعد خود را قائم مقام نموده بود موجب خبر نقل افت که این اوقات با سلامبول رسیده است  
 و ال مشارالیه قدری مرض بصحت پوسته بجهت تبدیل آب و هوا بجای دیگر غمیت کرده است  
 (دیگر نوشته اند که شهر جویته که در تحت حکومت پاپای روم است اطرافش سور دارد  
 و بجهت اینکه روز بروز حیث آنجا زیاد و مدینت او بیشتر میشود و درون شهر دیگر کنجایش نموده  
 در بیرون شهر عمارات زیاد ساخته شده و از اطراف کسب و تجارت آمده و در آنجا با ساکنین  
 در رفته رفته آبادی اطراف شهر زیاد میشود و مالی شهر خویش کرده بودند که حصار از میان  
 برداشته شده درون و بیرون حصار با هم متصل و یکی بشود در این اوقات جناب پاپائی  
 بنام سنجو امش مالی شهر مزبور با آنجا رفته و بهدم حصار مزبور حکم نموده اند و نیز از شهر مزبور  
 اراده نموده اند که راه آهنی تا شهر روم که مقر حکومت ایشان است بسازند و درین باب  
 گفتگو کرده اند که بعد ازین راه مزبور ساخته شود

۲۳۹۹

کوه سوزنده و زوف نام درناپولی و کوه اشه در جزیره سیدیا سابقاً آتش از آنها مصلدی کشید  
 بعد از آن چندی منطقی شده بود در این اوقات موجب کشتی پوشته فرانس که از مرسیل با  
 آمده بود کوههای مزبور در سبت و چهارم ایلول گذشته نگاه شد نشان گردیده و ایند فوج  
 آتشی آنها از سابق بیشتر بود حتی از بیستی ذرع بالاتر آتش آنها نمایان بود و این کشتی پوشته  
 شب از آن حوالی عبور کرده امالی کشتی مزبور اطراف آن کوهها را مانند روز روشن مشاهده کرد  
 بودند (موجب روزنامههای سابق که نوشته شده بود اعلیحضرت امپراطور روس بعد از طاعت  
 با اعلیحضرت امپراطور فرانسه در شهر استو غار در ورمیونج شهر مغربت کرده بودند موجب  
 این اوقات رسیده است اعلیحضرت امپراطور قبل از رفتن به پترزبورج اولاً بهستان مغربت نمود  
 و بعد از اوقات در خود اعتباراتی که بابل بهستان داده بودند در این اوقات که بهستان وارد  
 شده اند بجهت تبریک قدم ایشان از جانب امالی آنجا اجرای خیلی شیکها شده و انظار عرض نمیشد  
 کرده اند و امپراطور نیز با این اوقات انقادری افزوده است و کوچک نام از شعرای مشهور بهستان که  
 نسبت بدولت روس بعضی شعرها گفته در آنوقت شعرهای او ابطال و خود او از بهستان خارج  
 شده و با سلابول آمده دو سال قبل ازین در اسلامبول فوت شده بود درین اوقات شعرها  
 او را نیز اعلیحضرت امپراطور روس از فرار روزنامه وینه اذن خواندن و ترویج داده اند  
 (دیگر نوشته اند که موجب اخباری که این اوقات رسیده است در او اسط ماه صفر در حته  
 شمالی فرنگستان طوفان شدیدی ظهور کرده در این اثنا کشتیهای تجارتنی عثمانیه پنج کشتی  
 و از سفاین تجارتنی دول مختلفه چهل کشتی سگته و غرق شدند و درین هنگام از سفاین  
 حربیه دولت عثمانیه کشتی فحجه نام که بطرف لندن ارسال شده بود در فراخای پورنگر  
 گرفتار لطات امواج شده گذارش بفرات لندن اخبار و بدولت انگلیس اعلام شده فی الحال  
 کشتی بخارا از جانب دولت انگلیس با بخا فرستاده شده بعد از قدری جستجو کشتی مزبور رسیده  
 و کشتی را سالم از امواج دریا خلاصی داده اند) (درین اوقات در بعضی محال فرانسه خصوصاً  
 در حوالی لیون بارندگیهای شدید زیاد شده و نهر رمان طغیان نموده بعضی محال را سیلاب  
 فرو گرفته و امالی انولایت گرفتار ضرر و خسارت گردیده اند موجب روزنامههای پاریس  
 امالی فرانسه در میان خود وجه اعانت بجهت امالی محل مزبور که ضرر و خسارت کشیده اند

۲۴۰۰

جمع می نمایند

روزنامه وقایع اتفاقیه پنج یوم بیستم جمادی الاول مطابق اسفند ماه

نهم سید و شصت

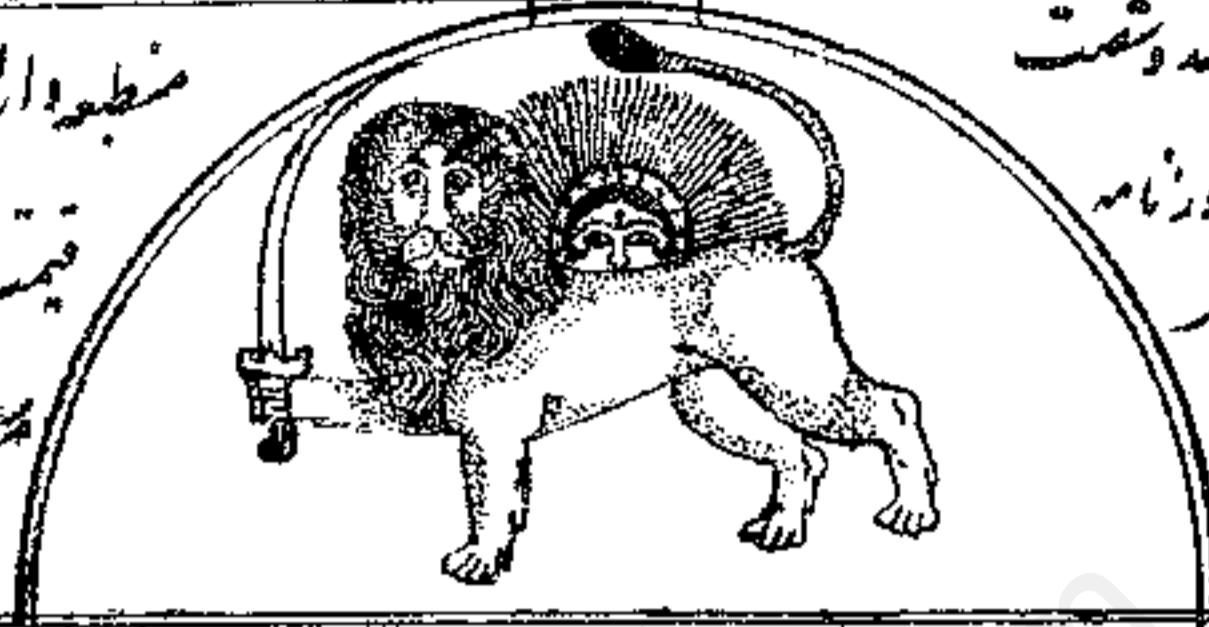
قیمت روزنامه

هر نسخه

منطوقه از اخلاق طهران

قیمت اعلامات

هر شماره



اخبار و اخذ مالک محروسه پادشاهی

دار اخلاق طهران

در روز یکشنبه سیم این ماه اعلیحضرت اقدس ملایون شاهنشاهی خلد الله ملک و سلطانه عزیمت شکار گن  
سولقان فرموده هنگام طلوع آفتاب سوار شد و تا حوالی عصر در آن صحرات تفریح و شکار فرمود  
نزدیک بغروب آفتاب بارک مبارک سلطانی و متعظت عظمی مراجعت فرمودند (چون محرم)  
موسی خان پسر جناب جلالتاب اشرف امجد ختم صدر اعظم که بعزیمت جناب عالیات حضرت کرده  
بود شوق روحش برای زیارت آن ارواح کرم بر شیباق جسم زیارت مراقه متوره غالب آمد  
در خاک طایر روحش بجوارت خدمت آن حضرت مشتاق بعد از معاودت موکب ملایون از  
شکارگاه جاجرد و عصر روز دوشنبه ۳ ربیع الثانی این خبر طالت اثر مستامع جناب معظمت رسید  
در طایر مقرب انخافان عیسی خان بیکریکی حاکم طایر و تویسرکان در مسجد طایر سه روز ختم گذاشته  
مجلس فاتحه خوانی بزرگ بر پا کرده بود که از جمیع ولایات سیاه و هجوار از قبیل همدان و بروجرد و عرا  
از اعیان و اشراف بفاطمه خوانی رفته بودند لکن جناب معظمت هم در روز سه شنبه ۴ محرم مجلس ختم و  
فاتحه خوانی گذاشتند لکن از آنجا که سرکار اقدس ملایون شاهنشاهی خلد الله ملک و سلطانه بیخوفت  
بگتزد و کتخر خاطر جناب معظمت راضی نیستند خاطر ملایون راضی نشد که زیاده از یکروز جناب معظمت  
مجلس ختم و فاتحه خوانی داشته باشد لئذا عصر همان روز سرکار نوآب مستطاب اشرف ارفع والای  
و لعیبه ادام الله اقباله را برای تسلیت مجلس ختم فرستادند که مجلس را بر چیده جناب معظمت را بحضور  
بروند و در حضور مبارک نیز آنچه لازمه راق و عطف است برای تسلیت جناب معظمت فرستادند

۲۴۰۱

در روز یکشنبه محرم سنه ۱۰۸۰ قمری در وقت شام که برای دیوانی ایشان باندرون  
 جناب معظم شریف بردند و لازمه التفات و دیوانی از جناب معظم فرمودند (و تئذ خبر وفات مرحوم  
 معذور موسی خان را بعض جناب طالتاب شرف مجد رفیع صدر اعظم رسانیدند و مجلس ختم و سوگواری آن مرحوم  
 برپا شد عالیجاه مقرب الخاقان دو القصار خان حاکم قم و سایر برادران درمی آن مرحوم در دارالخلافه  
 مخصوص معزی الیه را بجهت ابلاغ این خبر محوش که بطرز خوشی اظهار شود حسب حکم جناب صدر اعظم  
 بدار الخلا و خواسته بعد از آنکه وارد شد و از عزاداری برادر محوش فراموش حاصل نمود از جانب  
 اقدس عالیون برای تسلیت خاطر مقرب الخاقان مشارالیه و عالیجاه مجددت فخر امیر عیسی خان  
 کوچکر و عالیجاه مجددت سر راه ابوالقاسم خان پسرش بجهت هر یک یک کتوب جنبه ترمه از جامه خانه خاص  
 عالیون مرحمت و عنایت گردید (چون مرحوم آقا محمد حسن مهر داد در این روزها چنانچه در روزنامه  
 نوشته فون گردید نظر بقدمت خدمت مشارالیه و ظهور شایستگی مقرب الخاقان آقا عبداللہ در  
 سپه او در این اوقات عنایت بلوگانه شامل حال او گردید و مناصب مہرداری و غیره آنچه مرحوم مزبور  
 محول بود بمقرب الخاقان مشارالیه مرحمت گردید و مقرب فرمودند که بعد از این او را باسم پدرش  
 آقا محمد حسن خطاب نمایند و در فرامین و غیره باین اسم موسوم دارند و در ازای مناصب مزبور  
 اقباب طلعت عالیون با و مرحمت و عنایت گردید و منصب رخت دارباشیکری را که بمقرب الخاقان  
 معوض بود بعالیجاه مقرب الخضر العلیہ آقا ابراهیم برادر زاده مرحوم آقا محمد حسن محول فرموده مشارالیه و  
 عالیخان قاسم آقا پسر آقا عبداللہ و جید فستجان داماد مرحوم آقا محمد حسن سر یک طلعت عالیون  
 مرحمت گردید که بدگر می و امیدواری تمام هر یک با انجام خدمات محوله بخود مشغول باشند (بطور  
 و موافقت مقرب الخاقان عین الملک در شکارگاه جاپور و در انجام خدمات محوله بخود که خاطر اقدس  
 عالیون شایسته ای از حسن خدمتگذاری خرسند و سرور داشته بود لہذا موازی یکتوب قلمی ترمه لمبونی  
 استر دست بنجار از ملبوس بدن مبارک با عنایت گردید **سارولایات**  
**آذربایجان** از فرار روز نامجات و اخبار آذربایجان که بدار الخلا و الباہرہ رسید جناب  
 جلالتاب وزیر مختار فرانسہ که نامور اقامت دربار عدلت مدار عالیون اهلحضرت قوی شوکت  
 شایسته ای خدمت اللہ و سلطانہ پشاه از سرحد و ولایتیں علیستین ایران و عثمانی که وارد خاک این  
 دولت عالیہ شدہ تا ورود در سلطنت تبریز در همه جا از جانب لوایب سطات و الارکن الدولہ  
 حکمران آذربایجان و سایر کارگذاران دیوانی لازمه پذیرائی و احترام از جناب معزی الیه شدہ

۲۴۰۲

دور و درود تبریز هم زیاده از همه جا هم دوستی و مودت از جانب این دولت علیه نسبت و  
 فحیمه مستبوعه جناب مستزلی الیه و مهربانی و احترام نسبت بخودشان بعمل آمده است و بیت یک  
 یتر توپ برای احترام در و دیوان در تبریز نیک شده است معرب انخاقان حسن خان سیرت که تا  
 از جانب حکمران آذربایجان مأمور هماهنگاری بود مأموریت خود را در کمال خوبی بانتهای رسانید  
 و از تبریز تا دارالخلافه مس که معرب انخاقان نتیجه الاموال نظام علیینتی خان سیرت پیش از چا  
 سنی انجواست مایون مأموریت برای هماهنگاری داشت حاضر و مشغول لازمه مأموریت خود شد  
 و مجدداً از جانب اولیای دولت علیه سفارش لازم بعمل آمد که جناب معزنی الیه را بطور مای  
 وارد دارالخلافه نمایند (از قراریکه در روزنامه خوی نوشته بودند در اوایل ماه ربيع الثانی  
 ساعت از شب گذشته زلزله شدیدی در آنجا وقوع یافت و لکن سجد الخیرالی بجائی و اوست  
 کبسی نرسید و در روز نهم نیز در مرتبه زلزله جزئی وقوع یافت و از غره شهر مزبور شبانه روز  
 باران و برف آمده بعد از آن هوای انولایت شدت سرد کردید) (دیگر در روزنامه خوی  
 بودند که جناب جلالت مآب وزیر مختار فرانس که از جانب دولت بهینه فرانس مأمور در بار  
 علیه ایران شده بود نوات کامیاب والا محمد حسین میرزا حکمران خوی و سلاطین عالیجاه عباسقلی  
 سیستانی را با جمعی سواره مأمور فرمودند تا محال فرانسینی استقبال نموده در روز یازدهم شهر  
 مزبور حسب احکام نوات معزنی الیه دور رس سیدک با اعیان و اشرف و کسان محترم استقبال  
 جناب وزیر مختار فرستاده استقبال سکین نموده با کمال اعزاز و احترام وارد شهر کردند و چند  
 روزی که در خوی توقف داشتند آنچه لازمه احترامات و پذیرائی جناب معزنی الیه بود از هر جهت  
 بطور شایسته بعمل آمد) (دیگر نوشته اند که سه چهار نفر از تجار خوی مبلغ دو هزار تومان خیری  
 زیاده تر در حجره حاجی ابراهیم تاجر گذاشته بودند صبح آمده عارض شدند که در صندوق گذاشته  
 و خواه ما را به وقت برده اند نوات والا محمد حسین میرزا خود بجز مرفور شریف برده و آنچه لازمه وقت  
 بود بعمل آوردند دردی که از خارج بانجا آمده باشد مشخص شد زیرا که نه فصل در حجره بسته بودند  
 پانی از بام حجره باجای دیگر ظاهر بود از قراین معلوم بود که از اهل حجره و کاروانسرا که بلد بوده اند این  
 کار را کرده اند صاحبان خواه چون گمان داشتند که داروغه و شبانشی این عمل بی اطلاع نیستند  
 معزنی الیه حکم بکس داروغه و شبانشی نموده و اتهام زیاده در پیدا کردن مال سر و قد دارند و  
 تاکنون چیزی ظاهر نشده است

۲۴۰۳

# فارس

از قراریکه در روزنامه فارس نوشته اند جناب سعید ثوبی امام مسقط با ترکی برادر خود که صحار را در ضبط  
دارد و اطاعت اورا نمی کند این روزها منازعه دارد و چند جها ز تفنگچی جمعیت ترتیب داده که محال  
منزبور را ازید تصرف ترکی انزع نمایند ( دیگر نوشته اند که در این اوقات حمل و نقل مشاع تجار قلی بند  
عباسی زیاد تر از سایر بنا در فارس می شود و شیخ سعید بندر منزبور و توابع آنرا در کمال نظم دارد و در  
نظم امور بندر منزبور و انجام خدمات و مرعوات دیوانی و محلات محوله بنحویه نهایت اهتمام را بعمل آورده  
و مترق دین با سودگی و اطمینان عبور و مرور نمایند) ( دیگر نوشته اند عالیجاه مقرب انخاقان علی بن  
سریط فوج قره کوزلو که مأمور نظم صفحات لارستان بود امودان صفحات را نظم کامل داده و آنکه  
انولایت نهایت رضامندی از حسن سلوک مشرالیه دارنده بعضی از رعایای آنجا که در سینه با ضمیمه متصرف  
شده بودند درین اوقات با وطن و اماکن خود مراجعت کرده با دلگرمی و اطمینان مسول کارزار  
و رعیتی خود می شناسند و سرفقت بخلاف سنوات سابق در انولایت بسیار کم گردیده بلکه بکلی موقوف شده  
چنانچه خانهای چند نفر پدید و رو غیره را که در سال قبل سارقین بریده و اموال و اسباب آنها را بر  
برده بودند در این اوقات عالیجاه مشرالیه سارقین ابدست آورده و اموال مسروقه را تمام گمان  
از آنها سترد و بصاحبان عاید ساخته است و هم چنین در نظم امور فوج خود و توپچیان متوقف  
در ساندن مواجب و سیورت آنها و وصول و ایصال مالیات انولایت رساندن در وجه برآورد  
دیوانی و ارباب حوایجات مراقبات کافی بعمل آورده امور انولایت را از هر حیثیت نظم دارد ( دیگر  
نوشته اند که مقرب انخاقان سلیمان خان مشرالیه سرچ که نظم امور بهبهان و کوه کسلویه را بعد  
کفایت و اهتمام خود گرفته بود امور انولایت را نظم کامل داده و در رفاه حال رعایا و وصول  
ایصال مالیات دیوانی مراقبات کافی بعمل آورده مالی انولایت عموما از حسن سلوک و رفاه معرب  
مشرالیه نهایت رضامندی و تشکر دارند و همچنین عالیجاه جعفر قلی خان سرسنگ تو سچانه مبارک در  
مأموریت خود در صفحات کل دار و لارستان در انجام خدمات مروجه سجد و نظم توپچیان انولایت  
و انتظام امور ولایت نهایت اهتمام و مراقبت را بعمل آورده و حد بشس مستحسن و مقبول خاطر نوا  
ستطاب بؤیة الدوله طهباسب میرزا حکمران مملکت فارس افتاده مورد توارشش و التفات نوا  
معرفی الیه گردیده است و سایر عمال و مباشرین بلوکات فارس نیز هر یک در انجام خدمات محوله  
بجود نهایت اهتمام را دارند

۲۴۰۲

### کرامت‌نامه

از قراریکه در روزنامه کرامت‌نامه نوشته اند امور انولایت از حسن مراقبت و رعیت داری و  
 مستطاب عمادالدوله حکمران انولایت قرین انتظام و انضباط است و امور سرحدات و طرق و شوارع  
 مضبوط است و زوار و عابرین با نهایت اطمینان و آسودگی عبور و مرور نمایند و هم چنین امر شهر  
 محلات قطع است و اگر بندرت سمرقند و شرارتی اتفاق بیفتد در مقام رفع آن دقت و اهتمام  
 بعمل می آید (دیگر نوشته اند که بجهت رعایت حال زوار که از ممالک محروسه بزیارت عتبات عالیات  
 میروند و آب شرب از عمادالدوله بجایگاه میرزا محمد ویرمباشین مکرک کرامت‌نامه آن قدغن کرده اند  
 مزاحم حال آنها نشوند اگر چه با رتجارتی داشته باشند همین قدر که زوارند کسی از بمباشین مکرک  
 آنها بیچوچ شود که آسوده خاطر تعصب بروند و عموم زوار این ریکه در کمال شکر گذاری و دعا گوی  
 دارند) (دیگر نوشته اند که عالیجاه میرزا محمد خان علم مشیخت که از دربار عدالت مدارهایون  
 حکم اولیای دولت علیه ما سوردیدن آن افواج و سواره کرامت‌نامه بود نواب عمادالدوله بجایگاه  
 و که حکم نمودند که سواره ابوالجمع جودانما با در قریه شهنه حاضر آورده عالیجاه ایشان آنها را بدقت  
 و بموجب آنها رسیدگی کرده و سی نفر از آنها را حسب حکم نواب معری ایله مامور کرد که بید سرخ نمود که بجای  
 آنها پرداخته زوار و عابرین مصون از مخافت دزد و قطاع الطریق باسودگی و اطمینان از آنجا عبور  
 نمایند و باقی سواره منور مرخص اوطان و اماکن خود گردیدند و همچنین تجبه محافظت طرق و شوارع زبانه  
 الی خانیقین مقترب انجاقان سید الدخان سرتیب فوج کوران قلعه بخیری دو دسته از سرباز ابوالجمع  
 حسب حکم نواب شرباد عمادالدوله در زبانه کدشته است که زوار را از زبانه تا خانیقین و از خانیقین  
 تا زبانه در زبانه و ایاب باسودگی و اطمینان عبور و مرور بد دست تقاول شرار و قطاع الطریق ایالات  
 آن صفحت بر الزمال حال زوار و عابرین کوتاه دارند) (دیگر نوشته اند که امیر مکرک کرامت‌نامه را بواب  
 عمادالدوله در این روزها بجایگاه محسود خان که مردی خیر و بخش سلوک معروف است و اکتد نمودند و عالیجاه  
 مشارالیه با عموم سرتدین کمال خوش رفتار بر سلوک میداد و خصوصاً با زوار که اگر در میان آنها اشخاص غیر  
 ولی چیز باشند از خود با آنها خرجی راه داده شاکر و دعا گور و انمعه می نمودند) (دیگر نوشته اند که حسن نامی کلاه  
 که در بیرون شهر محاطه داشته داشت بجهت اخذ مطالباتی که از مردم بیرون رفته بود در تنگه دنیا و اوراشال  
 انداخته و بدستی در جنگل سینه چند زخم باورده و او را مقبول ساخته بود بعد از چند روز در مشارالیه شخص او رفته بود  
 بان میات مقبول دیده بودند مراتب بعض نواب عمادالدوله رسید حکم نمودند که کدخدایان و رئیس سفیدان آن

۲۴۰۵

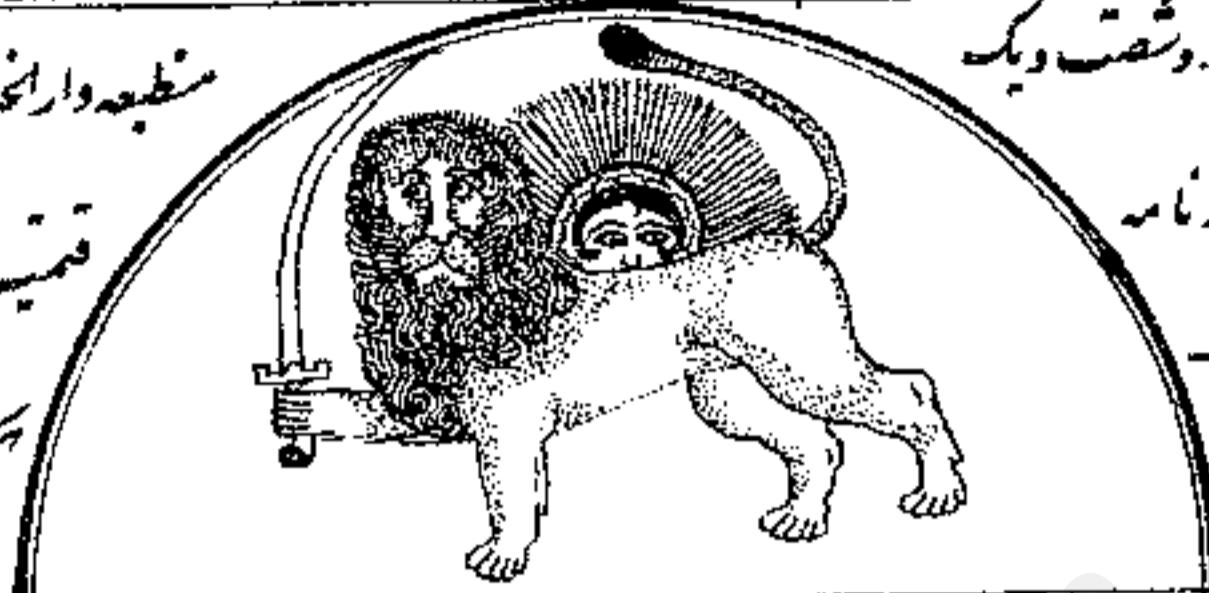
و خوش را حاضر آورده حکما مرتکبین را بدست سبیا و زند که بخجای عمل خود برسانند ولی تاکنون قایلین  
معلوم نشده و دست نیامده بوده اند) (دیگر نوشته اند که چون بعضی الواط و اشهر مرتکب شرب شراب  
شدند لهذا نوآبش هزاره بجهت بود بهافرستاده حکم عمومی نموده و قه عن اکید فرمودند که بعد ازین احدی  
از مسلمان و یهودی اگر مرتکب شراب فردشی بشوند مورد تنبیه و مواخذة دیوانیان عظام باشند و از آن  
دیگر کسی مرتکب شرب و شرارت نمیشود میرو از قراریکه در روزنامه دارالعباده نیز نوشته اند  
امور آولایات حسن مراقبت مقرب انخافان محمد یوسف خان سرتب و حاکم یزد و مقرب انخافان میرزا  
محمد شعیب پیکار آولایات در عین انظام و انضباط است و بعبه ایض و مطالب رعایا و رفع تعدی و  
اجحاف از آنها کمال دقت و رسیدگی می نمایند از جمله سابقا معمول محصلین مالیات و مباشرین بلوکات  
این بوده است که علاوه بر مخارجی که محصلین از رعایا میکردند تومانی ده سی از رعایا باسم رسوم و حدت  
دریافت میکردند اگر محصل روزی پنجاه مخارج میکرد مباشر روزی یکتومان باسم مخارج او ازیر  
میکرفت و در آخر سال که حساب میکردند رعیت بیچاره آنچه مالیات دیوانی داده بود با تقدیرسم این  
قبیل عوارضات متضرر شده بود و علاوه بر آن خوانین و بزرگان ولایت که صاحبان املاک و مالیات  
بد بودند با حکام و مباشرین در ساخته بدی خود را شکن رعایای ضعیف کردند و این جهات رعایا زیاده  
متضرر و پریشان می شدند لهذا در ده گذشته و بعد ازین حاکم و پیشکار رفیع این بدعتهای مذمومه را نموده  
اولا از که خدایان و پیش سفیدان هر قریه و بلوک بدی انجا را منک گرفتند که قبضه قبض خود آورده  
تحویل کرده قبض باز یافت نمایند و اگر چه امور دیگر رفتن محصل بلوک و محلی لازم نبود باید از خود خرج کرد  
حبه و دیساری از اهل آن بلوک و محل مطالبه نماید تا بنیاب بزرگان و اربابان عمده نیز قه عن کردند که  
هر یک بدی دیوانی خود را خود بدیوانیان کار سازی کرده بر رعایای ضعیف تقدیمی و اجحاف نمایند  
و از نیم حله عموم رعایا بر جسم اولیای دولت علیه امیدوار و سکر گذار و دعاگوی دولت جاوید  
گردیده زاید الوصف شاکر و دعاگو شدند) (دیگر نوشته اند که ارک دارالعباده یزد که بعضی جاها  
او خرابی نیم رسانده و تعمیر لازم داشت در این اوقات حسب احکام حاکم و پیشکار مر جایی ارک که با  
تعمیر شود بنا و عمده بکار افتاده در کمال خوبی و استحکام تعمیر نمودند و برج و حصار آنرا اغلب جاها  
نوساختند و سربازخانه انجا را نیز تعمیر خوب کرده و دو باب قورخانه بسیار خوب نیز و مرتبه آنرا  
ساخته با کمال استحکام با تمام رسانیده اند بطوریکه از سربازتیش زیاده مصون و محفوظ است  
و مرتبه فوقانی آنها را انبارهای بار و نموده اند

۲۴۰۹



روزنامه وقایع اتفاقیه پنجشنبه یازدهم شهریور ماه ۱۲۷۱

نیم سید و شصت و یک  
قیمت روزنامه  
هر نسخه شش



منظومه و از اختلاف طهران  
قیمت اعلا شش  
هر طرز شش

اخبار داخله ممالک محروسه پادشاهی

دارالخلافه طهران

هوای دارالخلافه طهران در این اوقات نسبت بگذریم قبل طایمت و اعتدال بهم رسانده است در ماه که  
چند روز ببارندگی زیاد شد و هوای شدت سرد شد بطوریکه تردد از خارج کمتر شد و در زنج آذوقه  
و ناکولات تفاوت حاصل شده فی الجمله ترتی در تسخیر جنس بهم رسیده بود در این ماه چند  
بارندگی شد و شدت سرما تخفیف یافته بالفعل هوا خوب و با اعتدال و کمال طایمت را دارد و  
اطراف و جوانب مترودین آمد و رفت مینمایند و بجهت الله جناس و ناکولات از هر گونه تنزل نمود  
و فور یافت و نهایت فراوانی و ارزانی حاصل است امنی دولت علیه و جا کران حضرت کردون  
سینه روزها در دربار با یون مجتمع و بانجام شدت محول بود در وقت سلام شرفیاب حضور  
شاهنشاهی پیش از اوج فایز نظام نیز از توپچی و سرباز و سوار نظام همه روزه در میدان مشق حاضر شده از جانب  
و معلین اتمام در مشق و نظام آنها معلی می آید (مرحوم سید علی خان سرسنگ فوج عجم در راه محرم فوت شده بود و  
در این اوقات لاجا محمد علیخان ولد ارشد مرحوم مرزوب حجب الفران باین منصب سرسنگی فوج عجم سرافراز  
مهر طلعت طوکانه منحلگ کردید) (قبر نام قصاب که بسیاری دو نفر دیگر قصابی را مقتول کرده و هر سه نفر  
و سبک شده بچوس بودند و گزارش آنها در روزنامه گذشته نوشته شد بعد از تحقیق معلوم  
گردید که قبر نام فقط مباشر قتل آن قصاب بوده است لهذا او را بدست و ریه مقتول داد و بعضی  
شرعی رسانیدند و آن دو نفر دیگر را در جلوی دیوانخانه دولتی توبیه و سیاست بفرموده و مهار کرده  
بازار را کرده اند و اخراج بلد کردند

۲۴۰۷

### آذربایجان

از قرائت که در روزنامه تبریز نوشته اند امور نولات قرین انظام و الضبط است و کمال اهمیت است  
 بجهت انالی نولات حاصل و باین آسودگی و فراغت بدعا کونی ذات اقدس تعالی بون شاهنشاهی  
 ملکه سلطانه اشتغال دارند و عالیجاه مقرب النخافان علیقلی خان بیکریکی دارالسلطنه تبریز بحکم  
 نوات مستطاب رکن الدوله علیه حکمران مملکت آذربایجان با اتفاق عالیجاه همسر انصیر که خدا بانی  
 و سایر که خدایان در شهر و محلات هر شب گردش می کنند و مشغول حفظ و حراست میباشند  
 و امور و اول خانها مضبوط است و کسی قدرت حرکت خلاف حساب ندارد و باینکه هوای آلوده  
 در این روزها بدت سرد شده و برف و برف و برف و برف و برف و برف و برف و برف و برف و برف و برف  
 ماکولات تفاوتی بهم نرسیده و بجهت الله هر چیزی در اوان و در راست و در عیال و مرا ازمین  
 کمال تشکر را دارند (دیگر نوشته اند که نظر نامی که از جمله اشعار و مستدین مشهور تبریز بود  
 چند وقت قبل ازین سببه شرارت و فساد از نولات اخراج شده بود این روزها در تبریز شده  
 و چند نفر از الواط را بر سر خود جمع نموده با چند نفر از سربازان فوج بهادران در محله همدان  
 و عوا کرده یکدیگر را زخم زده بودند مقرب النخافان علیقلی خان بیکریکی ازین کیفیت خبردار شده آدم  
 و ستاوه نظر را با سربازان گرفته بحضور نواب مستطاب رکن الدوله آورده بعد از تحقیق و عذررسی  
 نظر را با اندازه تقصیری که سابقا و لاحقا داشت مورد تنبیه و بازخواست کرده اخراج گردید و هیچ  
 سرباز را نیز در دیوانخانه تنبیه نظامی نمودند (دیگر نوشته اند که این اوقات بجهت کمال مراقبت  
 بیکریکی و که خدایان در حفظ و حراست شهر و محلات سرفت بسیار کم اتفاق می افتد چنانچه یک شب  
 و کان کلاه و وزی در بازار امیر بازمانده بود صاحبان آنها صبح آمده و کاکین خود را باز دیده با  
 و کانهای خود واری کرده و اسباب خود را همه برقرار دیدند که هیچ چیز از آنها غیب و نقص  
 بود و همهمه تجار و کسبه از حصول این امنیت کمال شکر گذاریدارند و اگر بذرست سرفتی بود اموال  
 پیدا شده بصاحبش تسلیم و سارق مورد تنبیه میشود از جمله محرم حاجی عبدالعظیم تاجر و خوش  
 شب بریده بودند مراتب تعرض نوات مستطاب رکن الدوله رسیده محمد صادق بیک در  
 خواسته و قدغن اکید نمودند که حکما مال مسروق را پیدانمائید تا رالیه نیز در مقام تقصیر  
 معلوم شد که والان در همان کاروانسرا این سرفت را کرده بود اموال مسروق از او سرود و باین  
 تسلیم و اورا تنبیه بفرمودند

۲۴۰۸

### استرآباد

از قرائیکه در روزنامه استرآباد نوشته اند امور نو نایب احسن مرقت معترب انخاقان جعفر قلیخان  
ایلیخان بیگلربیگی استرآباد و کمال انتظام است و اسر ایگه ترکمانان در غیاب معترب انخاقان مشارالیه  
برده بودند درین روزنامه موالی آورده و در سپتامیند از چند ترکمانان آتابای و جعفر بای و درین اوقات  
دوازده نفر از استرآبادی و غیره نیز و معترب انخاقان مشارالیه آوردند آنها را انجانها و اما کن خود  
روانه نمود و ترکمانان مستدعی شدند که عوض این اسیرها از اسرای ترکمانان منور که در استرآباد محبوس  
باشند و نماید در جواب گفت که تا تمامی اسرانی که در میان شماست نیاوردید یک نفر از اسرای ترکمانان  
برخص نخواهم کرد آنها نیز رفتند که هر چه اسیر از استرآبادی و غیره دارند بیاورند تا اسرای خود را  
و همچنین پنج نفر سوله وی را که از روی دریا برده بودند ترکمانان حین غلبه حکم نمود که ده روزه در  
هر کجا باشند بدست آورده با استرآباد بیاورند آنها نیز حسب حکم در عرض سه روز چهار نفر از آن  
آوردند و یکم دیگر را ندکور داشتند که بخجوق برده اند و پانصد تومان مقبل شدند که عوض او بدست  
ایلیخان قبول کرد و قدغن نمود که ده روزه حکما او را نیز آورده تسلیم نمایند (دیگر نوشته اند که عیال  
مجد استرآباد در بیابکی در نهم ماه ربیع الثانی بدین معترب انخاقان ایلیخان آمده و در روز استرآباد  
توقت نموده دید و باز دید و لازمه مهربانی در حق او بطور تسلیم عمل آمده و دو نفر اسیر هم که ترکمانان از روی  
دریا برده بودند و از آنها گرفته بود تسلیم ایلیخان کرده بعد از دو روز محاربت با شوراده نمود) (دیگر نوشته  
که چون سخته بودن محبت سرباز و سواره در استرآباد نزع شلوک و غله قدری ترقی کرده بود معترب انخاقان ایلیخان  
ترکمانان قدغن نمود که غله با استرآباد آورده بگردند بعد ازین حکم القدر جو کندم با استرآباد آوردند که از اول هم از آن  
و خاوان ترک گردید) (دیگر نوشته اند که ترکمانانی که سال قبل از خوارزم آمده و در قاری قلعه کئی گرفته بودند چون بودن  
در آن سرحد موافق صلحت مکه داری نبود معترب انخاقان ایلیخان در این اوقات با آنها اعلام نمود که از آنجا کوچیده با بیان  
ولایت اقبیل کاپوش و غیره آمد و ایل عیبت باشند یا بخوارزم محاربت کنند آنها درین باب تسامح و رزیده بودند  
لهذا معترب انخاقان مشارالیه از اطراف قشون خبر کرده در پانزدهم ربیع الثانی از استرآباد و سخته کوچانیدن ایلیخان  
بسمت قاری قلعه حرکت نمود و معترب انخاقان صا رم الدوله را با فوج و عیالخان رضا قلیخان مشار و محمد قلیخان  
با سواره ابوالفتحی آنها و حقیقت استرآباد و بخورد از سواره و پیاده با خود حرکت داده و آدم فرستاد که هزار  
سوار هم از بیوسته و کولخان حاضر بوده و درین ورود معترب انخاقان مشارالیه بار دومی اولمقی شوند  
که ترکمانان قاری قلعه را با باطنی با بیست خوارزم کوچانند

۲۴۰۹

### عراق

از قراریکه در روزنامه عراق نوشته اند مقرب الخاقان میرزا حسن خان در نظم امور آن ولایت  
 در حصول امنیت و رفاه حال رعیت و انجام خدمات و مهمات دیوانی نهایت مراقبت و اهتمام را  
 بعمل آورده و نهایت فراوانی و ارزانی در آن ولایت حاصل است باینکه مهال از کثرت بارندگی  
 بعضی خرمینها در صحرا مانده ضایع گردیده و زراعت آینه در اینزار عین از بارندگی فرصت مجال بگردند که  
 بطوریکه بایست زرع نمایند مع دلگ غله کمال و فوراً دارد و از سالهای دیگر از آنراست چنانچه  
 کندی چواری شش هزار دینار و هفت هزار دینار بیشتر بفرودش نبرد (دیگر نوشته اند که تین  
 ویش از آن میریچگی و حامل مخصوص آن که از جانب سنی ایوانب اقدس علیون شاهنشاهی قاجار  
 مقرب الخاقان میرزا حسن خان حاکم عراق مرحمت شده بود در حین وصول بانجا لوازم استقبال  
 و توقیر و احترام نشان ایشان و فرمان مهملعان را بعل آورده و در عمارت باغ جدید لیسایی  
 خود او بزرگ پیکر افتخار و حمایل کردن اغلبا خود نموده در وقتی که اعظم و اشرف واعیان و اولا  
 حضور داشته فرمان مهملعان مبارک را خوانده و ادای خطبه بنام اقدس علیون جهنم بدعا  
 دولت و از ویاد شوکت روز افزون شده بعد از صرف شربت و شیرینی مجلس منقضی گردید

۲۴۱۰

### قزوین

از قراریکه در روزنامه قزوین نوشته اند امور آن ولایت احسن مراقبت است تمام نواب کما میسر  
 و ایوبتار عبدالصمد میرزا حکمران قزوین و مقرب الخاقان حاجی حسنعلی خان پیکار آن ولایت قزوین  
 و در سرپرستی رعایا و نظم و ولایت و انجام خدمات و مهمات دیوانی لازمه اهتمام را بعمل می آورند  
 از قراریکه نوشته اند در ماه گذشته بارندگی زیاد در قزوین شده مدت بیست روز متصلاً  
 می آمده است خیلی دکا کین بازار و خانههای مردم ازین بارندگی خراب شده و تالار عمارت  
 کتیبه که عمارت دیوانی آنجاست متعفن فرود آمده اگرچه ازین خرابیها چندان اذیت کسی نرسیده  
 مگر در فرود آمدن سقف تالار و ختری پیشرفت که در زیر آبار مانده تلف شده است و در نفر سردار  
 که بالای بام تالار بوده اند بزین افتاده مجروح شده اند ولی ضرر زیاد بانالی بازار و صا جهان  
 خراب شده اند رسیده و هم چنین بدات خالصه و غیره که اغلب خرمینهای آنها در صحرا بود خسار  
 رسانده حتی آنچه غله نیز که انبار کرده بودند ازین بارندگی بعضی اینار باخراب و غله آنها ضایع شده  
 باغات اطراف شهر که سالهای آنها را زهر خاک میکرد مهال بارندگی فرصت داد که بزرگ نمایند

مرد

از قرار یک در روزنامه دارالعباده یزد نوشته اند امور ولایت احسن توجهات اولیای دولت مصلحت  
و منظم است و معربی انخاقان محمد یوسف خان سرتیپ حاکم یزد و میرزا محمد شمس بیگار ولایت  
حال عیث و انتظام و محوری ولایت و انجام خدمات و مهلت دیوانی اتمامات کافی دارند تعمیرات  
ارک یزد و قورخانه ایجاد رفته گذشته نوشته شد توپخانه آنجا نیز از قرار یک نوشته اند چند  
مضبوط بنویسد بعضی خرج و قدشان شکسته و اسبابان از هم فروریخته بود و هم چنین اسباب  
توپخانه و آلات توپ کشی مندرس شده تعمیر و تجدید لازم داشت درین باب اهتمام نموده توپها  
که افتاده بودند چرخ و تکر و قداق آنها را ساخته کلا سوار کرده کردند و اسباب توپ کشی و زمین  
یراق اسبان توپخانه را آنچه تجدید لازم داشت از نو ساخته و پرداخته و آنچه تعمیر بایست بشود  
تعمیر نموده امر توپخانه آنجا را کمالاً از هر حیثت احکام داده لوازم آنرا آماده نمودند بطوریکه هر یک از  
توپهای سنگین را هر وقت بجهت حرکت بدین حالت معطلی در هیچ اسبابی ندارند  
(دیگر نوشته اند که حاجی قدیر نامی در محال میر میرود نام عمارتی بسیار درین حفر زمین خنجر  
پیدا شده بود در میان خودشان تقسیم کرده بودند این کیفیت از میان خودشان برود  
کرد هر کس مرچه رسیده بود برداشته همگی فرار نموده اند هنوز معلوم نیست کجا رفته باشند  
و همچنین در عراباد شخصی چند شمش طلا باقی بود و یکی از مبلغان خود نیز داده بود با بکله این مطلب  
بروز کرده مغرب انخاقان میرزا محمد شمس بیگار فرستاده آن شخص را آوردند و چند روز است  
محبوس است در نزد خود دارد هنوز قدر و مقدار آنچه پیدا کرده است صورت تحقیق نیافته است) (دیگر  
نوشته اند که آقای میرزا احمد نامی تاجر در خانه خود بنائی مسکرو پله را سوراخ کرده بودند که در ب  
در آنجا بکار بگذارند ناگاه عمارت منهدم گردید و ایشان را با یک پسر و زوجه اش و سه نفر بنای علم  
در زیر خرابی مانده بودند که خدای متعال خبردار شده فوراً عمل زیاد با آنجا برده آنها را از زیر بار برود  
آوردند سه نفر بنای و علمه و پسر صاحب خانه هلاک شده خود و زوجه اش زنده بودند) (دیگر نوشته  
که مرده اجبار حسن و لجهدی دولت جاویدت علییه که بدارالعباده یزد رسید لوازم اسباب  
این حسن میمون و عید جابون را مانند اعیان بزرگ معظم از تشکیک توپ و لغازه شاد و یاب و غیر  
بطور شایسته بعل آورده شبانه روز ایام معهود را مانند سایر مالک محروس بازار با کاروان  
و کچه ها و خانه ها این بنده می و چراغان بود

۲۲۱۱

اجتبار دول خارجی که از روزنامه‌های خارجی ترجمه شده نوشته می‌شود

سابقاً نوشته شده بود که بجهت گذر از سدور با بن انگلیس و چین از جانب دولتین انگلیس و فرانس و دیگر  
 با سفارت مخصوصه سمت چین ارسال شده بود و آنها مقتضایها نگاهان رسیده بودند و قرار بود که از جانب  
 دولت جمهوری سیکو دنیا نیز سفیری با نولایت فرستاده شود سفری منور که بهایگان رسیده بودند  
 خود را بدولت چین اجبار کرده و از جانب فاقان چین جواب آمده و با موثرت آنها قبول شده بود  
 لند روزنامه نویسان فرنگستان گمان می‌بردند که بعد ازین از دولتین فرانس و جمهوری سیکو دنیا نیز سفیران  
 حربیه و قون سمت چین ارسال شود (در روزنامه‌های سابق نوشته بودند که اعلیحضرت امیر  
 فرانس بجهت کسانی که در ایام ناپلیان بزرگ در سگ قشون فرانس منگک بوده و تاکنون در قید حیات  
 می‌باشند نشانه‌های مدالیه ساخته بودند و این مطلب را انتشار داده هر کس از ان اشخاص می‌آید یکی از  
 نشانه‌ها با و اعطا می‌گردد در این اوقات پیره مردی پاریس آمده مذکور داشته بود که در بدایت احوال  
 ناپلیان بزرگ او و ناپلیان در یک دسته چندی در رتبه ملازمی منگک و در حین از محاربات حاضر  
 بوده اند اعلیحضرت امیر طور فرانس را به راجحضور خود استمه بعد از چندی مصاحبت و تحقیق احوالات آن با  
 مبارالیه با و ام الحجات سالی ششصد و نانو و چه معاشش تخصیص داده اند که بر فراغی تخمیناً یک  
 پول این ولایت است که شصت تومان میشود (در لندن کسی سراسر استقایان شش خاموش کن که  
 میانند بهاراتی که شش میگرفت و بجایمانی که طولیبه چی مانمی توانستند بروند میگرفت و اشخاصی را که  
 در ان عمارت در خواب بودند و خبر از شش گرفتن عمارت نداشتند بیدار کرده و از آنجا طره شش گرفتن  
 نجات میداد در این اوقات طولیبه چی با حساب کرده اند که آن سگ تاکنون ششاند نظر را باین طراز  
 بلاکت خلاصی داده است لهذا بر خود لازم داشتند که در ازای این خدمات او از امثال خود شش اجازت  
 بدیند در میان خود وجه فرانس آورده یک قلاوه طلا و یک نشان مدالیه ساخته و مجلس عیشی مخصوصاً  
 داده در وقتی که همه شمع بودند آن سگ را آورده قلاوه طلا و نشان مدالیه را تعلیق کردن افتخار او  
 نمودند) (دیگر نوشته اند که بجهت سهولت که در راه آهن برای عابرین دست داده سیاحان که از  
 لندن پاریس رفت و آمد میکردند با مسافتی که از دریا طی می‌نمودند با کالسکه بخار و خشکی و کشتی بخار در  
 در مدت چهارده یا نوزده ساعت بمقصد میرسیدند و چنانچه بکرات در روزنامه‌ها نوشته شده است  
 باین اشکلی و در با تخمیناً مقدار فرسخ است در این اوقات یکبار در انگلیس که از لندن بنیدوستان پوس  
 و نقل میکرد مسافت از لندن پاریس را بهشت ساعت طی کرده و در روزنامه‌های پاریس نوشته اند که باین  
 عرصه کت تاکنون

۲۴۱۲

۷

سابقاً نوشته شده بود که در کشتی سا زخانه لندن یک کشتی بزرگ که ششصد و نود و دو قدم طول و  
سه قدم عرض و بیت و پنجاه رطل که عبارت از تعداد و پنجاه رطل و از جنس پاشد بارگیری اوست پس خند  
در این اوقات کشتی مزبور با تمام رسید و خواسته اند بدریا بیدارند بجهت تماشا می نزول کشتی مزبور  
خیلی اشخاص اظهار رغبت کرده اند و بجهت تماشا چنان در جاهائی که بنشینند و تماشا نمایند هر نفری سه هزار  
قارک داشته اند که اجرت مکان و پول تماشا بدهند و هر روزی چهل پنجاه هزار کس تماشا می آیند و خیلی داده  
و تجارت در آنجا رواج در رونق یافته است و قارک داشته اند که تا یکماه بالای کمر و عراد متصل بدریا  
برپا دارند و چون کشتی مزبور زاید الوصف و وسیع است پانزده هزار کس معین است که در او جا بگیرند  
و بجهت این اشخاص یک کارخانه روزنامه نیز در درون کشتی مزبور راه انداخته اند (دیگر نوشته اند که از  
آلی پاریس درین اوقات پنج عیال خود در عراشته بیاحتیاجان خارج شهر میرفت و درین راه از  
عراده پانین آمده بیک جنگلی رفته بود درین بین در دوی باد بر خورده و وجه نقد و ساعت و انگشتر و سبانه  
قیمتی او را گرفته و جیب بالا پوش خود گذاشته بود بعد از آن طمع بر تبدیل جیب او که از جیب خودش تهیه  
کرده جیب او را که هوجه خود را با داده او را را کرده بود آن شخص براه معاودت کرده چون سبانی که  
از او سیرت رفته بود بسیار گریه و باهیمت و وسه را نش پارتاشف خوردند و در حالت تاشف دست  
جیب بالا پوش سارق که با او عوض کرده بود نموده دید سبانه ش کل در آنجا است و علامه بر آیه خود سبانه  
قوطلی انقیه مرصع بجا بر با یک ساعت نفس سبانه خوب نیز از خود سارق بجا مانده است معلوم شده بود که در مزبور  
در همین سرفه از شدت عجله با توش رسیدن آدم خیالش معشوش شده و منتقل باین شده بود که  
از جیب بالا پوش خود را آورد و در وقت بالا پوش اعوض نماید بجهت رالیه از اینکه سبانه باین  
سهولت بدست خودش رسید زاید الوصف اظهار منوبت کرده و در روزنامه منتشر نمود که هر کس صاحب  
انقیه مرصع و ساعت مزبور است بیاید آنها را دریافت کند معلوم است در روز مزبور هم از اینکه اگر عکس مزبور  
مقتضی حبس دولت خواهد شد ازین ترس مطالبه انقیه دان و ساعت را نمیتواند نمود و از کیه اش رفته  
(دیگر نوشته اند که بجهت عدم اعیان بین صرافان و تجار فرنگستان در این اوقات شخصی صراف طلبان  
در وین پای تخت استریه که سی میان قرائق مایه داشت اظهار افلاس کرده است) (و پنجمین از اشخاصیکه  
در یکی دنیا اظهار افلاس کرده اند بوجیب روزنامه های سیکی دنیا عدد آنها از هفتصد نفر صراف و تجار  
تجار و زنگرده است و از اینکه این جمله کسب است کرده است امید دارند که روز بروز تنزل کرده و رفیع  
کرده اعیان مطلوبه رفته رفته استحکام یابد

۲۴۱۳

باطن کنان از فرایکده نوشته اند مانند باطن پیمان پنبه سان نیست و با شکل و تعدادی ایام بعل می آید  
 درین خصوص ناپلیان بزرگ در ایام خود قرار گذاشته بود که هر کس آلتی اختراع نماید  
 که کنان را مانند پنبه باسانی نسج نماید باو یک طیان و نانی که عبارت از صد هزار تومان باشد اعطا شود  
 در آنوقت کل صاحبان کارخانجات درین خصوص اقدام کرده هر یک بقدر فهم و دکانوت خود آلتی  
 اختراع کردند از میان همه آنها شخصی فلیب رزای نام آلتی اختراع کرد که بسیار مستحسن و مطبوع افتاده قرار  
 شد که وجه فریب را باو الحاق نمایند ولی بسبب بعضی غمخواران اعطای این وجه در تأخیر افتاده و مشایر  
 در حالت مایوسی در گوشه فوت شده بود در این اوقات که مشایر را لیه رواج یافته و استحقاق  
 آن وجه در حق او معلوم گردیده است اعلیحضرت امپراطور فرانسه قرار داده اند که ازین وجه سیاه متوقفا  
 مر نور بیاد کاری اوسکی در فرانسه در محل او پیون نام برشیده بصب نمایند (سابقا نوشته  
 شده بود که بجهت تحقیق و تعینش احوال سودان چند وقت پیش ازین چند نفر صاحب منصب مجلس  
 جمعی از امانی آنجا سمت سودان رفقه بودند از آنوقت تا کنون خبری از آنها نیامده بود موجب حجاب  
 که این اوقات رسیده است مشایر را بهم سودان که دارو شده اند در چین ورود آنها بوسی آنجا  
 منتقل شدت سرد گردیده است امانی آنجا این حرسه را از شناسمت آنها بسته همه را بقتل رسانیدند  
 (در محکمت سبیر روس سابقا ندان فیل که متحجر شده بود پیدا کرده بودند چون انولاتی را از  
 سرد و از بلاد باره است بران فیل در انولات حیرت افزای عقول و اذمان بود در این اوقات  
 در راه آبنی که حب حکم اعلیحضرت امپراطور روس از شهر مسکو تا بار سکا و دست میکردند درین  
 حضر زمین خیلی دندانه های فیل متحجر شده پیدا کرده اند معلوم شده است که در ازمنه سابق  
 طور بوده است فیل با آنجا برده بوده اند) در دولت فلنک از جمله قوانین موضوعه آن دولت است  
 که از یک پدر و یک مادر درده نفر اولاد که تولد نماید باز و همی آنها معاشش و گذریش بجمده دولت  
 در این اوقات شخصی از اصناف در دولت نر بور آمده و عرض حال نموده است که از او و یک نفر  
 روجه اش سی دیک اولاد متولد شده و از آنها بیت و شش نفر آن در قید حیات هستند و  
 آنها را بحضور قرال دولت فلنک آورده و با قضای قانون موضوعه آن دولت وجه اعطای طلب  
 نموده است و در روزنامه های فلنک نوشته اند که تا کنون امثال این فقره مشاهده نشده بود  
 و این مرحله را از نوادرات اتفاقا شمرده اند

۲۴۱۴



# روزنامه قایم اتقا بیخ پویم شنبیت و یکم جماد الثانی مطایبان سلطان



نزهت و شصت و دو  
قیمت روزنامه  
هر نسخه شش

## اخبار واحده مالک محروسه پادشاهی

### دارالخلافه طهران

فوج جدید شفاقی جمعی عالیجاه میرزا صادق خان سرننگ که از آذربایجان احضار رکاب همایون شده بودند در ۵ شهریال وارد دارالخلافه مبارکه شدند بطوس ویرتد اکانت آنها از دیوان محرمت گردیده روز سه شنبه ۱۱ مقری انخافان این شکر و اجودان باشی سان نفری آنها در سربازخانه خارج شهر که منزل دارند دیده و بدقت رسیدگی نمودند (مقرت انخافان محمد ابراهیم خان سهام الملک سرنیب افواج ثلاثه اصفهان که بعد از مراجعت از فارس جدی در اصفهان بجهت انجام امور افواج جمعی خود توقفت داشت بعد از انجام امور آنها در یوم زدهم اینها سرفیاب در بارهایون گردید) (مقرت انخافان حاجی یوسف خان سرنیب که از قدیمی جاگرد در بارهایون بود مخص صداقت و خدمتگذاری او فوج امیرتد را بشار الیه محرمت فرموده و تکوین جبهه زمره کرمانی از صند و فحانه مبارکه در حق او خلعت محرمت گردید) (نظر بقابلت و شایستگی عالیجاه شیخعلی خان ماکوئی سرننگ خارج از فوج اولبای دولت علیه فوج خنقال را بشار الیه محرمت فرموده و یکطافه سال زمره کرمانی از صند و فحانه مبارکه باو خلعت محرمت گردید) (نظر بشایستگی عالیجاه و لیجان پسر مقرت انخافان حبیب الله خان سرنیب سکا بنی موجب فرمان همایون منصب سرنسکی فوج سکا بن باو محرمت و یکطافه سال کرمانی اعلی نیز از صند و فحانه مبارکه باو عنایت گردید) (چون مقرت انخافان میرزا علی پسر مرحوم میرزا ابوالقاسم قائم مقام بدرمان معدلت در بارهایون آمده بود سرکار اعلیحضرت قدر قدرت شایسته خلد الله ملکه و سلطنته

۲۴۱۵

بلاخطه حقوق خدمات مرحوم میرزا بزرگ قائم مقام که جداست و استعداد خودش منحصر  
 اورا منصب استیفای دیوان اعلیٰ سرفراز نمودند و یکثوب چیه ترمه هم خلعت مرحمت شده حساب  
 قدر قدر جناب جلالت تاج نظام الملک مقرب الخاقان مشارالیه را بحضور مبارک برده مورد رحمت  
 شاهانه گردید (چون رای ممالک آرای اقدس تلویح علیحضرت شاهنشاهی خلد الله سلطانه بر تربیت  
 و ترقی دولت عالییه خاصه ترویج حقون و انشاء علوم علاقه گرفته است لهذا در تمهید اسباب تربیت  
 هر یک از اجزای دولت و اهللی مملکت از جانب سنی بخواهستند قدس لوگانه بذل توجهات شایسته  
 بطور میرسد از جمله مدرسه دارالفنون دولتی دار اختلاف که نظر باصیت این کارغائب مطمح نظر عالیون  
 حضرت شاه شاه تاجدار است اگرچه در نظم امور و مهام این مدرسه از بدو بنیای آن بهر قوی  
 بطوری و هر زمانه نبوغی اهتمام شده و از رئیس و ناظم خالی نمانده است و عمده الامار العظام  
 امیرتومان که در کار دانی و کفایت معروف و عالیچایه زبده انجمن رضاقلینجان که عقل و رویه  
 شناسی موصوفه همیشه مراقب طرزوات مدرسه بوده اند ولی چون اراده علییه پادشاهی  
 بر این است که این مدرسه مجمع علوم شود و دانشندان کافی از بهر قوی و علمی در اینجا تربیت شده  
 کار خدمات دولت برآیند و با این اراده عالیون هر چه در از دیار و نظم و نسق اینجا بذل توجه پیدا  
 بجای شایسته بود با نیجه دستخط عالیون خطاب بنجباب شرف امجدایع صدر اعظم صادر و معترف  
 شد که چون نواب اعضاد السلطنه علیقلی میرزا در کسب علوم کمال جهد و سعی کرده و از بهر قوی و علمی بهره  
 کمال یافته است و مخصوص در علم هندس مهارت تمام پیدا کرده لهذا با بودن رسد و ناظمین سابق  
 ریاست کلیه مدرسه شایسته نواب اعضاد السلطنه باشد با نواب مغزی الیه رئیس کل بوده اختیار  
 نظم کل امور دارالفنون را در دست داشته و از روی علم و آگاهی و اربابی مدرس شاگردان و  
 ترقی ایشان و انتظام جمیع امور مدرسه نماید و همه له از شاگردان با استعداد فارغ التحصیل و  
 مشغول خدمات مرجوعه شوند و در ازای این رحمت و رجوع خدمت یکثوب کلچیه ترمه از طوس  
 تن مبارک بنواب مغزی الیه رحمت فرمودند و اکنون اختیار کل مدرسه دارالفنون کفایت نواب  
 مغزی الیه است) (چون مقرب الخاقان میرزا محمد قوام الدوله وزیر خراسان و راستظام امور  
 مملکتی و انجام خدمات دولتی و رسانیدن سیورسات عساکر منصوصه ناموره مرد و جنس  
 سعاعی مشکوره یعنی آورده و محاسن کفایت و خدمتگاری خود را ظاهر کرده بود و یک قطعه فرود  
 که در روزنامه پیشین بخصیص نکاشته شده سابقا برسم پیشکش فرستاده بود لهذا از جانب

۲۴۱۶

سنی ایچانبه ایون اعلیحضرت شایسته خلد الله لکه و سلطانہ موازی یکثوب خرقہ تر علی  
 لظانہ خرقہ رسم حلق با دم حمت و انفاذ کردید ( هر چند در از منہ سابقه و عمود ما جنبه  
 کار گذاران دیوانی کمتر ملاحظه میکردند که مال از داخل حق و وجوب سخرانه عاید شود و در تحصیل  
 آن سرت عدل و مساوات که ناظم احوال ملک است رعایت رود و بکفر عتیب شکی که مایه ربود  
 بن دیوار کند و بام اندود تا بحمد و ملت در این عهد فرخنده هم عالیہ اعلیحضرت قدر قدرت  
 قضا بطلب شایسته خلد الله لکه و سلطانہ و اولیای دولت علیہ علیہ تمهید بساط محلات و  
 ارکان نصفت و رافت مصروف و قواعد جور و انقاف بکلی متروک و موقوف است چنانکه  
 و رقیتم و توزیع یارده هزار تومان وجه اعانه سلطانی یزد شرایط عدل و انصاف رعایت  
 شد مبلغ هشت هزار تومان از یک نفر رعیت حاجی احمد نام شمار دریافت شده بدار اختلاف  
 آورده بودند اولیای دولت علیہ بحسب امر قدر قدره ایون مبلغ یک هزار تومان آن را از بابت  
 سهم و حصه حاج مشار الیه ضبط نموده مبلغ هفت هزار تومان دیگر العینہ مصحوب عالیجا  
 ابو الفتح خان پیشینست بیزد فرستادند که مبلغ مزبور را برده بی کسر و نقصان بخود حاجی  
 تحویل داده قبض رسیده گرفته بیاورد

### سایر ولایات

افور با ایجان از قرار که در روزنامه خوی نوشته اند چون مقررت انخاقان مؤتمن  
 وزیر نظام و پیشکار کل آذربایجان که بعزم سرکشی و نظم امور سمت برانده و آن صفحت رقبه بود  
 بعد از انجام امور آن سامان در این اوقات از راه سلسل مساجد و دست بدار سلطنته تبریزی نمود  
 نواب کامیاب محمد رحیم میرزا حکمران خوی و سلسل سجنه ملاقات با مؤتمن سلطان مغزی  
 عزیمت سلسل نموده نواب و ارب میرزا انامیب الحکومه خوی نموده و عالیجاه محمد جعفر خان  
 به پیشکار می او مضمون کردند که در غیاب نواب مغزی الیه تنظیم امور انولایت پروازند در روزنامه  
 سابق نوشته بودند که مبلغ دو هزار و پنجاه تومان از مال چهار نفر تجار خوی در حجره حاجی ابراهیم  
 تاجر که داشته بودند و از میان صندوق مفقود شده بود نواب کامیاب محمد رحیم میرزا در پیدا  
 کردن وجه مسروق تاکیدات آئیده نموده و قدغن کرده بودند که کار گذاران استقام نموده و  
 تفحص و جستجو باشند تا سارق را بدست بیاورند در این اوقات که نواب مغزی الیه بطرف سلسل  
 نواب و ارب میرزا و عالیجاه محمد جعفر خان حسب حکم آدم کذاشته و جستجو بودند معلوم شد که شاکر و حاجی ابراهیم  
 صاحب آن حجره مرکب این سمرق شده و وجه مزبور تمام و کمال از او مسترد و بصاحبش تسلیم ورق مورد توبه شد

۲۴۱۷

**اخبار دول خارجه که از روزنامه های خارجه ترجمه شده نوشته شود**  
 از فرار یک نوشته اند بجهت عدم اطمینت که باین تجارت و صرافان یکی دنیا ظهور کرده است چنانکه کوفت  
 فقر واضطرار کرده اند و با بجز ارباب تجارت در دایره خوف و طمأنینه افتاده اند از جمله بیست سال  
 قبل این شخصی در پاریس بسیار مفروض و مستغرق شده بتدارک وقت بومیه عاجز مانده بود بجهت  
 دفع ضرورت آنوقت از پاریس به برزیل رفته و در آنجا بنای تجارت گذاشته و بخشش هم  
 مساعدت نموده رفته رفته با وسعت روی داده صاحب ثروت و سامان گردیده و از جانب  
 پادشاه برزیل مجرب و معموریت انولایت اذن داده شد که تجارنا از اراضی آنجا هر کس بر قدر سخاوت  
 عمارت و زراعت کند با دو اکره شود مشارالیه اراضی بسیار در آنجا تصرف در آورده مالک گردید  
 و منافع بسیار حاصل نموده صاحب چند هزار تومان مایه و عیشبار شد بعد از آن قدری از آن  
 اراضی بعللامی که با و صداقت و رزیده بود بخشیده و بقی را فروخته پاریس معاودت نمود  
 و سخاوتی که در دست داشت بخریدن حصه قومپانیه راه آهن و ازین قبیل معاملات بکار انداخت  
 در این اوقات که در شرکتی تجارت و صرافان یکی دنیا و فرنگستان ظاهر گردید مشارالیه نیز بکل  
 از دستش بیرون رفته محتاج بیک پول شد و علام خود را که در برزیل بود ازین جا در اعلام  
 کرد بعد از آن از شدت تنگدستی و اضطرار بیک اطافی ذغال سسکی گذاشته و درون <sup>اطاق</sup>  
 رفته منافذ آن رسد و نمود که از ذغال خود را بپاک نماید بعضی از احتیاجی او ازین جا  
 واقف گردیده آمده او را از آن ورطه بپاکت بیرون آورده انظار نصیحت کردند در این بین  
 غلام او که در برزیل بود بموجب اعلام او وارد پاریس گردیده بقدر جهل بخواه هزار تومان که  
 در سایه دولت او تحصیل کرده بود آورده مشارالیه تسلیم کرده او را از ورطه اضطرار  
 بپاکت رهایی بخشید (دیگر در روزنامه های سابق نوشته شده بود که عدد تجارت و صرافان  
 که در یکی دنیا و شکسته و مفلس شده اند به نفع نفر رسیده است بجهت روزنامه که بعد  
 حساب سخاوتی که ازین اشخاص نجات کرده است نموده اند بود بیان ریال فرانس بپایه  
 (دیگر نوشته اند که بجهت حلول ایام شتا اعلیحضرت امپراطور روس کسی را که در  
 دولت روس از اهل فقر و ضرورت مستند ما به وجه معاشش آنها را برسم مساعدت  
 پیش اعطا کرده است) (در این اوقات در بلجیقا یکی از ارباب نمر بدون ددخت با اجرائی که بسیار  
 کفش درست کرده است در روزی بهراخت این کفش بسیار دوام با سایر کفشها می آورد در پاریس)

۲۴۱۸

تقریباً چند دفعه در روزنامهها نوشته شده است در یکی دنیا بجهت عدم امنیت که باین بنابر حاصل شده است  
اغلب تجار اظهار افلاس کرده اند و این گزارش بنفغانستان سرایت کرده و جوایفی که صاحبان  
کارخانها در لندن و غیره قرض میگرداند نفع او در صد تومان شش تومان بود رفته رفته تصد و نه رسید  
موجب خیر نترانف که این اوقات با سلامبول رسیده است در یکی دنیا این که او شش رفته رفته شد  
گروه است بطوریکه حال او را بنحایت پول و در صد تومان بیای بی و شش تومان رسیده است و این حادثه  
بنفغانستان تشنه شده و باین جهت نفع پول و در کارخانهای لندن در صد تومان بیارزده تومان ترقی کرد  
و کارخانه لورپول او را بق موجوده خود را که در دست مردم بود تا دوروز با عطای بدل مقدر نشد و در  
کارخانه خود را بست بعد از آن مجدداً از کارخانه بزرگ چهار کرد در استعراض نموده کارخانه خود را کشود  
و ازین قبیل کارخانه استوفیاجا بادن دو طیان و نیم لیر مقدر شد و همچنین تاجری در پنجه یک گرو لیر  
و از تجار ساکن پاریس یکی سه طیان و دیگری دو طیان لیر او در وین صرافی ده طیان فرانک و بیست  
شده اظهار افلاس کرده اند و این کیفیت بدین سبب است که در مضرته عمومی آن مکان میرود و در  
روزنامههای فرنگستان درین اوقات بجهت وقوع این حادثه که از چه سبب است باشد سبب  
دلایل متحده شرح میدهند از جمله اینکه مالی فرنگستان همگی در خطر متع یافتن و بهر کاری باطله  
کردن میباشد مثلاً چند نفر صراف مشهور بثروت و سامان در ضمن کار و متع خودشان از  
لندن بندوستان راه آنتی خو هستند بازند و درین باب باین خود قومپانیه ترتیب دادند  
و بهر کس نشر و اعلان نمودند و بخصه های قومپانیه اعتبار داده بعد از آن بهر خصه که صد لیر بود  
مقداری ضم نموده بخلق فرجستند و بعضی سبک مغز آن باصل و اس این قومپانیه اعلان کرده و  
شده بمان شهرت ثروت و سامان صرافان خبروراکتفا کرده و خصه های قومپانیه کا ملا بفرود  
رسید و صرافان مرقوم بجهت خود را از میان این قومپانیه بیرون بردند بعد از احتتام  
یافتن راه آهن اصحاب شرکت نفع که منظور داشتند عاید آنها نشد و بحسب از پولی هم که مایه  
گذاشته بودند ضرر کردند و این فقره یک سبب حشتمین مردم گردید دیگر اینکه زمین  
باغات و املاک سائره در اکثر محال فرنگستان بهای گران خرید و فروش شده و پیشتر  
آن اراضی و املاک که معتبر مشهوره شده رزعی ده تومان داد و سهند کرده اند بعد سندی بعضی  
اسبان آن محال نامعتبر شد همیشه تنزل کرده و ازین رکن در نیز ضرر بخلق رسیده است

۲۴۱۹

و هم چنین شخصی حصه از قومیانه بفتح صد و پنج میخورد بعد از آن حاصلات قومیانه ازین حساب بیاید  
می آید و باین جهت حصه که در دست دارد از آنخواه اصل آن زیاد شده و در صد و ده نفع میماند مثلا  
حصه پنجاه تومان را صد تومان حساب نفع ظاهر می کند و بهوای نفع این حصه بوجه زیاده از  
اصل دادوستد میشود و بالطبع حصه قومیانه از اعتباری افتد و اینهم یک سبب نامنی میان  
اصحاب تجارت میشود دیگر اینکه نصف تجارت در گنتان نسبت نمند و چون تجارت می کنند و  
واقعات نمند و چون مال التجاره در موعده بفرش نرسیده و یا یکب احوال غیر مطلوبه باقی  
دیگر نموده در هر صورت اصحاب تجارت با دای وجه مال التجاره در موعده آن قاور نشدند و باین  
جهت نامنی در میان تجار بهم رسیده هر کس در فکر حفظ شخواه خود افتاده طلبی که از تجار و  
صرافان و صاحبان کارخانه دارند در صد و مطالبه و اخذ شخواه خود بر آید و اینها باعث برتری  
نفع پول و سبب ورشکستگی و اظهار فلاس تجارت و صرافان و صاحبان کارخانه گردیده است  
( دیگر نوشته اند که چند سال قبل ازین چهل و شش نفر از این پنجها هر یک چهل تومان  
از نفع پول خود بیان گذاشته قرار دادند که ازین وجه سالی یک صیافت باین خود  
ترتیب بدهند که بجز خودشان که وجه داده اند کسی دیگر در آن صیافت نباشد و باین  
هر سال صیافتی میگردند در این چند سال اغلب آنها بر وفوت شدند چنانکه در سال که  
در محل صیافت سه نفر از آن اشخاص باقی مانده بودند اما سال یک نفر باقی مانده بود که بجهت  
آمد از غایت ناسف صرف طعام کرده بمنزل خود معاودت نمود ) ( دیگر نوشته اند که جزای  
کوبیا که در ایام جمهوری فرانسه رئیس جمهور بود بعد از آنکه قانون جمهوری در آن ولایت موقوف  
و لغو گردید و قاعده سلطنت کافی سابق قرار گرفت مشارالیه بجهت اینکه طالب جمهوریت و محاکم  
دولت بود چند سال از فرانسه تبعید و اخراج شده بود تا در این سال بر حسب استدعای امالی  
فرانسه اعلیحضرت امپراطور فرانسه مشارالیه را داخل اجزای مجلس دولتی کرده بود در این وقت  
باجل موعود در گذشته است ) ( سابقا از امالی دولت روس کس غیر سیاحت مالک خارج میکرد و وجه  
پاپورت زیاد از جانب دولت از او گرفته میشد مثلا از یک نفر دولت قارولون که پنجاه صد تومان پول  
این ولایت میشود و باین جهت سیاحت امالی آنجا بخرایج بصوبت دست میداد اعلیحضرت امپراطور  
روس چند وقت است این قاعده را موقوف کرده است لهذا بسیاری از امالی روس سیاحت ولایات  
دیگر میروند از جمله در روزنامه پاریس نوشته اند که زیاده از پانصد نفر از امالی روس بحال در پاریس هستند

۲۴۲۰

روزنامه وقایع اتفاقیه سیاحت یوم شنبه نهم بهمدی اول مطابق سال سلیمان سن ۱۲۷۴

منطقه دارالخلافه طهران	نمده سیصد و شصت و سه
قیمت اعلامات	قیمت روزنامه
هر طرزد	هر نسخه

## اخبار رسیده از ممالک محروسه پادشاهی

### دارالخلافه طهران

در ظهور فتنه هند وستان که یا عیان آنجا در دلی و بعضی جاهای دیگر بر عا کرد دولت این  
 و آن کفایتهای قس و نهب اتفاق افتاد چون فتنه و فساد در همه جای دنیا اتفاق افتاده است  
 اینمختی در نظر دولت و ملت ایران چندان عجیب نیاید ولی آن بی رحمیها که یا عیان مملور نسبت  
 بنسوان و اطفال بیکناه روا داشته بودند نه تنها در نظر دولت ناپسند دستگیره افتاد بلکه در پیش  
 اهالی ملت کوشش بسیار مسموم و معیوب آمد سجدهی که در خم خاطر های یونان علیحضرت شاهنشاهی  
 و رافت اولیای دولت بکوشش آمده مبلغ هزار و بیست تومان رایج ایران که بانصد بودند  
 باشد از جانب سی جوانب یونان و بانصد و شصت پنج تومان که دولت و چاه بودند انگلیسی باشد از  
 طرف جناب شرف امجد ارفع صدر اعظم اکرم بعیال و ایام ملهوفین حرمت و عنایت شده  
 در شریعت ظاهره اسلام جاشا که چنین بی رحمی بر نسوان بی دست و پا که بالذات این طایفه از  
 تکلیف حال منافع هستند یا بر اطفال ضعیف و صغیر که هنوز تکلیف خداوندی بانها علاوه گرفته  
 مخلوق چهار ضعیف هستند جایز و روا بوده باشد عقول متعارف ناسل اینکه بی رحمی را تصدیق  
 نمی کند چگونه شارع مقدس علیه و آله الصلوة و السلام که دین شریفش در اعلی مراتب کمال قرار گرفته است  
 تجویز میفرمودند (چند روز قبل یکی از یهودیان دارالخلافه وفات کرده بود نفس او را حمل  
 که در مقابر یهودیهای خودشان دفن کنند چنان عبور و ادون بخش در یکی از معابر بکند و نفر از اهل  
 سوق از راه جهالت و سخر بنای اذیت که داشته سنگ بسوی ملت یهودی انداخته بودند گفت

که بعضی و اطلاع جناب شرف امجد ارفع صدر اعظم محترم رسید این حرکت جا بجا نذر اگر چه  
 از مردم عامی بازاری اتفاق افتاده بود بسیار قبیح و ناپسندیده اند که شخص بگردنی که متدین باشد  
 چون تابع اسلام و رعیت اعلی حضرت اقدس باشد و شایسته است نباید مورد اذیت و بی احترامی شود  
 و آنکه نسبت مست و کسان مست چه جای آزار و احترام است مگر کس را قور احضار و حکم تسمیه  
 آنها فرمودند و کوشال بسزادر باره آنها داده شد که بعد احدی جز تخریب حرکات لغو و بیهوده نکرد  
 معلوم ناسل بوده و امیدوار شوند (ملاحظه چه جامعه اسلامی و مراسم مواعدهت و مجلسی  
 علیتین ایران و عثمانی و بنا بقانون متداوله اول متحابه که چاکران و خدمتگاران دولت  
 دوست و متحد را بنا سستی بدلائل اعتبارات نایل کرده و می کنند بدون تفاوت قرین افتخار  
 بنمایند در این اوقات از جناب اعلی حضرت سلطان ممالک عثمانی چهار قطعه نشان مجیدیه  
 بافتخار اشخاص مفضل و بی اعطاء عنایت شده و جناب شرف ارفع دولت عثمانی نشانها

مقرت بمقامان بزرگان	مقرت بمقامان بزرگان	مقرت بمقامان بزرگان	مقرت بمقامان بزرگان
درجه سیم مجیدیه	درجه سیم مجیدیه	درجه سیم مجیدیه	درجه سیم مجیدیه
قطعه	قطعه	قطعه	قطعه

۲۴۲۲

مرنور را با فراین آنها نیز و جناب وزیر امور خارجه فرستادند و از جانب سنی بجا است  
 طایون شاهنشاهی و امت شوکه اذن او بر نشانها با اشخاص مرنور اعطاشند (عالیجا مقرت  
 میرزا عبدالکستوفی میزان که سابقا نامور اذربایجان بود بعد بر کاب مبارک احضار شد چون  
 از محاسن خدمات و صدق شجاری او برای کار گزاران دیوان اعلی رضامندی حاصل  
 لهذا با رجب الامر قدر قدرها بون نامور اذربایجان کرده از قرار فرمان قضا جریان مبارک  
 ملقب ناظم میزان ممالک محروسه قطب و کتوب جنبه ترمه کرمانی هم رسم خلت در حق او  
 مرحمت و از رکاب مبارک مخص و روانه اذربایجان شد) (افراج فابره نظام از توپچی  
 و سرباز و سواره نظام متوقف دار اختلاف الباهره سجدی بواسطه الامراء بیای دولت  
 فابره از مشورت و مخص میباشند و در خدمت قراولی و غیره اقدام دارند) (مقرت بمقامان  
 میرزا ابراهیم خان سرباز افواج محتمه که مأمور حراست و کلات بود بر حقی و لیبای دولت فابره  
 در ۵۴ شهریادی الاول با افراج جمعی خود وارد دار الخلافه کرده و مشا را لیه با صاحب منصبان



بنجای مبارک شرفیاب شده مورد التفات و تقدیرات ملوکانه گردیدند (مقرّب انخافان  
 شیخی خان سرطب فوج خلیج که مأمور کرمان بودند مانموریت تمام شده فوج او مرخص شد  
 بودند لهذا فوج مزبور را مرخص خوانده نموده خود مقرّب انخافان مشارالیه شرفیاب در مبارک  
 شده مورد التفات و توارش ملوکانه گردیدند) (افواج سمنانی و دامغانی جمعی مقرّب انخافان  
 مصطفی قلیخان سرطب که مدتی است مقرریم کاب نصرت اقتاب هستند در یوم چهارشنبه  
 بیت و هفتم در میدان ارک مبارک حاضر گشته مقرّب انخافان باین لشکر و اجدان باشی  
 سان آنها را بدقت دیده و رسیدگی نمودند **سایر ولایات**)  
 کردستان از فراریکه در روزنامه کردستان نوشته اند از توجهات او یک  
 دولت علیه حسن مراقبت مقرّب انخافان امان الله خان والی کردستان امور آن ولایت  
 قریب انتظام و ضبط است و مقرّب انخافان مشارالیه در نظم ولایت و رفاه حال رعیت  
 و انجام خدمات و مهمات دیوانی کمال اهتمام و مواظبت را بعمل می آورند و شرارت و عیال  
 حساب بسیار کم اتفاق می افتد و اگر بیدرت سرقت و شرارتی اتفاق بیفتد در مقام رفع  
 برمی آید و همه روزها از طلوع اقتاب تا نزدیک غروب خود نشسته بعرض و داد رعایا رسیدگی  
 نمایند و رعایا و مالینی اسود و خاطر بد عا کونی ذات اقدس تعالیون شاهنشاهی خلد الله ملکه و سلطنت  
 اشغال دارند) (دیگر نوشته اند که هر ساله هنگام کوچیدن ایل جاف از سرحد کردستان  
 بعضی تعذیبات و بیجسانی از آنها ظاهر می شود اما سال بجهت اینکه خلاف حسابی از آنها ظهور نیامد  
 خود مقرّب انخافان مشارالیه در آن ایام بنیای کردش سرحدات را گذاشته قریب  
 بچهل روز در آن سرحدات در گردش بودند و امور آن سرحدات را کمال انتظام دادند  
 و بجهت بودن مقرّب انخافان مشارالیه در آن سرحدات پوشی از رعایا عیب نکرد و احدی  
 از ایل مزبور نتوانست دست اندازی بمال و حال رعایا بکند و مالی آن سرحدات ازین  
 حمله کمال شکر گزار برادارند) (دیگر نوشته اند که امسال تا نو سن اخل شده بود  
 هوای کردستان کمال ملایمت و اعتدال را داشت ولی از اول قوس بنیای باران  
 و برفت گذاشته و هوا بدت سرد کرد و بد بطوریکه بعضی طرق و شوارع بسته گردیده و از  
 فراریکه مالی آن ولایت میگذشتند درین سنوا که اکثر هوای کردستان باین سردی شده  
 بود

۲۲۲۳

اجتبار و دل خارجه که از روزنامه های خارجه ترجمه شده نوشته میشود

ناخوشی حمای زرد در سبکی دنیا در خبر ایتلی کاه کاه برود داشت و سرش بفرمانت آن  
کنون مشاهده نشد بود در این اوقات در شهر لزبون پای تخت دولت پوریکر از یک خان  
ناخوشی روز کرده بعد از آن سیرت با طرف کرده چند هزار کس این ناخوشی تلف شدند  
و باین جهت امالی شهر مزبور کلاً ترک انجارا کرده بلکه کاهها ریخته بودند که سوار کشته شده بجا  
دیگر بروند قرال دولت مزبور بجهت رفع تشویش خلق خودش بیچاره خانها رفقه و سخی علی  
کرده بود که این ناخوشی حمای زرد میت و فی الحمله مردم را آرام داده بود (در سالنامه  
که در شهر عوطه واقع در الماینا چاپ کرده اند عدد پادشاهان فرمکتان دولت حکومت و  
تاریخ جلوسشان را نوشته اند بعد پادشاهان فرمکتان چهل هفت نفرند از اینها همه  
مسن تر لیب ریس است که از جمله حکمران المایناست تاریخ جلوسش هفتاد و سال رسیده  
و قرال در تبروغ و قراند و قه ملکینو رقیز بهین نزد یکها سن دارند و جوانتر از همه اینها  
قراند و قه یارمه و قرال پوریکر میباشند) (دیگر نوشته اند که حاصل در ممالک روس  
امسال خوب بعل آمده است ولی بجهت خرابی راهها حمل و نقل اجناس از محلی محلی دیگر مشکل  
و باین جهت امالی گرفتار صعوت شده بودند لهذا از جانب امیر اطور روس حکم شد که  
ذخایری که بجهت قشون در محال متعه دانیار کرده اند و موجود است بخلق بقیمت وقت بخرند  
(در سال گذشته در پاریس بای تحت فرانسه آنچه در مدت یکسال فوت شده و  
آنچه متولد گردیده نوشته اند عدد اشخاصی که در یکسال فوت شده اند بیست و نه هزار  
هصد و پنجاه نفر بوده اند و آنچه متولد شده اند سی و هفت هزار و هصد و شصت و شصت نفرند  
و از اینها که متولد شده اند متجاوز از دو و از ده هزار کس پسران معلوم نیست و بعضی هم نام  
آنها معلوم نیست که همان وقت که زانیده اند آورده بکوهها انداخته اند) (دولت آسریه  
چون مصارف و مخارج بهم موافق نمی آمد و مخارج آن دولت زیاده از مالیات بود بجهت  
تسویه این جمع و خرج چند فقره در دولت مزبور قرار داده اند از جمله بکریه سفاین آن لایت که سابق  
و اشیاء حمل و نقل میکنند معنی افزوده اند) (در این اوقات از جانب دولت روس حکم شده است  
که از پطرزبورغ تا شهر بوری و از کف تا هستان و از آنجا تا شهر ریجا که در بحر طلنتیک واقع است  
سه خط تلگراف بکشند

۲۴۲۲

۵

در روزنامه های سابق نوشته شده بود که حکمران مملکت سیام که از مالک هندوستان بود در  
جنوبی چین واقع است بجهت عقد رشتنه مناسب با دولت انگلیس به نفر سفیر سفارت انگلیس  
فرستاده بود و بجهت رساندن آنها بندن از جانب دولت انگلیس کشتی قزوه دوق نام باسکنده  
ارسال شده بود از قرار روزنامه که تازه رسیده از بهم وارد لندن شده اند و در روزنامه  
لندن از بیانات حاضر و اصول متخذ آنها نوشته اند حکومت سیام در زیر فرمان دو حکمران است  
و این افراد و نفر از جانب یک حکمران و یک نفر از جانب حکمران دیگر است و در محبت آنها هر یک  
جهت تقدیم بر ایاد و نفر نامور و یک نفر ترجمان و مخصوص آنها سوا سوا ترجمانها و بازاریان بسیار  
سراکاتبه نفر سرکاتب سفارت سراسر اند اینها همه سی و پنج نفر میباشند و کلاب پرست این  
و نان و گوشت حیوانات چهار پا را میخورند فقط گوشت حیوانات دو پا از قبیل طیور و ماهی  
نخاست و این مطبوعات را پیوسته شرح میداد و سایر ادویه جات می آید و میخورند و در شبانه  
بکرات چای زیاد می شیرینی صرف می کنند و سفرای فرور از جانب حکمداران خود بجهت پادشاه  
انگلیس بعضی هدایای مخصوص آورده اند از جمله سیاه بصره مرغ و ارید و زرد و الماس و  
صندلی طلا مصنع و شبیه دیگر و هدایای آنها شبیه و مطبوع خاطر اعلیحضرت پادشاه انگلیس  
افتاده و از سفرای مفرور آنکه در مرتبه ستم است بجهت تحصیل زبان چندی در لندن خوانده اند  
و از غرایب ایشان اینکه بخلاف کل اهل عالم که دندان خود را سفید و شفاف نگاه میدارند اینها  
خود را سیاه می کنند هر چه دندان سیاه تر باشد بهتر میدانند ( در آنام چهار صد  
قبل ازین در وقتی که دولت فرانس منقسم بدو قسم شده بود و یکطرف دولت فلنک ملحق شده و  
طرف دیگر با فلنک بکنک برخواستند در جنگ مشهور بوون دستگیر دولت فلنک گردید چون  
در آن هنگام یک آدم که اهل ثروت بود گرفتار دشمنان شد قانون این بود که مالک  
خود را وقایع جان کرده خلاص میباشد رالیه نیز بان صورت که گرفتار گردید اموال خود  
که داشت با بعضی اراضی از فرانس بدولت فلنک واگذار کرده عهده نامه نامید این شرط  
نوشته که اراضی مزبوره بعد از انقضای چهار صد سال با اولاد مالک رد شود و در صورت  
سلسله او منقرض شده و از اولاد او کسی باقی نمانده باشد بقرال دولت فرانس واگذار  
گرد و این اراضی مشتمل است بر شش قلعه و سی و چهار باغچه و دو هزار زرع محل زرع است

۲۴۲۵

و چراگاه هزار حیوان و صد هزار شکار و اولاد او سال بسال حساب و دفتر این اراضی را  
نگاه داشته اند حتی در شصت سال قبل ازین از متصرفین آن اراضی شخصی تقصیری کرده و فرار  
نموده بود دولت فرانسه محل متصرفه او را ضبط و مصادره نمود و از اولاد مالک آن  
اراضی شخصی آمده بدولت عارض گردید که موافق قراریکه در باب این اراضی داده شده است  
بعد از انقضای شصت سال دیگر با اولاد من میرسد دولت فرانسه باید ارض ضبط و مصادره  
این محل صرف نظر نماید بحدود و در هفتم ماه ربیع الاول سال مدت چهارصد سال با تمام  
رسیده و درین خصوص در پارسیس مرافعه بزرگی برپا شده است (هر ساله بجهت دفع  
ضرورت از فوکنان بقدر چهار پنج هزار کس بپسکی و نیامیرفتند و در کارخانه های آنجا حجر  
و عمده مشغول کار میکردند در این اوقات بجهت نا امنی که مابین تجار و صاحبان کارخانه  
بروز گرد اغلب کارخانه های پسکی و نیامیر شده و این اشخاص بی کار و گرفتار فقر و اضطراب  
شده اند و از جانب قونسولهای فوکنستان که در پسکی و نیامیر با مالی دول مشبوهه  
خودشان اعلام شده است که بعد ازین پسکی و نیامیر و نیزه که کارخانه های شده  
داز برای آنکها شغل و متاعی نخواهد بود) (از فوکنستان سفاین تجارته و اثره که نسبت مند پس  
و محال و آنچه ان صفا ششها حمل و نقل می نمایند در مابین پسکی و نیامیر جنوبی و شمالی در جزیره و غران نام که در  
تحت حکومت جمهوری پسکی و نیامیر است باریکه پانامه مابین بحر کیرمعدل و بحر محیط اطلنیک واقع است و  
کشتی در اینجا دوره زده بقدر دو ماه ریش دور میشود اگر چه درین باریکه پانامه که بکیرش بحر معدل و  
بکیرش بحر اطلنیک است راه آهنی درست کردند و بی بجهت کثرت اشیاء نگار بروج و نخاه بخورده است  
حال بعضی دولت های فوکنان قرار گذاشته اند که درین باریکه پانامه که همفا و میل مسافت  
نهر بزرگی حفر نمایند که از دریا بدریا کشتی تردد میکند و مسافت بعیده دور نرند و درین خصوص  
و جی فرانسسم آورده اند که زمین منور را از جمهوری پسکی و نیامیر خرید و قومیانیه در آنجا قرار  
داده بخفر نهر منور مباشرت نمایند و این نهر که حفر میشود راه کشتیها را که بان صفا حرکت  
نمایند بسیار نزدیک می کند بطوریکه دو ماه زود تر از حالاکه دور میزند مقصد میرسد) (در  
شهر مایس که در تحت حکومت دولت پروسیست بار و ط خانه در هفتم ربیع الاول تشریف  
بقد رسید نفر سوخته و هلاک شده اند و متجاوزان مسجد نهر ایوانان هم ضرر بدولت  
منور رسید است

۲۲۲۶

روزنامه قالیچ اتفاقیه پنج شنبه پنجم سهردی فی الثانی طایسال سیکان



### اخبار و خنده مالک محروسه پادشاهی

#### دار انخلاق طهران

عالیجاه مقرب انخاقان میرزا ابراهیم خان سرتیب افواج خسته که با افواج ارتکلات حرا  
 احضار دربار جهانمدر شاهنشاهی گردیده و در داد با افواج ابوالکحیمی خود پدر انخلاق و الباقی  
 در روزنامه هفته گذشته نوشته شده بود در روز شنبه گذشته افواج مزبور را در میدان  
 ارک مبارکه سلطانی حاضر کرده صف نظامی کشیدند اعلیحضرت اقدس همایون شاهنشاهی  
 ایداً همیشه سجدت ملاحظه آنها بیدان مزبور تشریف فرما گردید جناب اشرف امجد ارفع صدر اعظم  
 نیز در حضور مبارک بودند احاد و افراد افواج مزبور نیز اقدس همایون شاهنشاهی سیدیه از اینکه در  
 کمال شکوه و نظم و آراستگی بودند و در زمان نامور تیر خراسان هم با نهایت معقولیت و حسن  
 سلوک با امانی انولایت رفتار کرده و خدمات فخرآلود و انجمنی با انجام رسانده بودند عموماً مورد تحسین  
 و نوازش حسروائی گردیدند خصوصاً مقرب انخاقان مشارالیه و صاحب منصبان زاید الوصف  
 مورد توجه و التفات شدند و انعام ملوکانه در حق آنها مبذول آمد (چون خاطر اقدس عالی  
 شاهنشاهی تعلق بر این گرفت که شاگردان مدرسه دارالعلوم از اولاد شاهزادگان عظام و کما  
 این دولت علیه و با حفظ و سواد و استعدادها که روز ترقی کرده مصدر خدمات کلیه و قابل مناسبت  
 عالیله از قبیل سفارت خارجه و غیره شوند و بهین سبب نواب مستطاب شاهزاده و آباء اعضاء این  
 علیقلی میرزا را که با انواع علوم و فنون آراسته اند بریاست کل مدرسه دارالعلوم چنانچه در روز  
 گذشته منظور گردید یکجا شدند و بجهت حسن مراقبت نواب معزی البه بعد از این کمال دقت و تمام

۲۴۲۷

در درسی کردن خواهد شد لهذا بعموم هر ادکان عظام و امنا و امر او در حال دربارها یون بر حسب  
 امر اولیای دولت علیه اعلام میشود که هر یک اولاد با استعداد دارند بپرسد دار الفنون بپرسند  
 که بهر فن از فنون که مستعد و شائق باشد مشغول تحصیل آن بشود که بکار خدمت دولت بیاید  
 (چون مقرب الخاقان میرزا ذوالفقار خان مستوفی حاکم قم و ساوه در انتظام مهام و ولایتی و حکام  
 خدمات دولتی تحصیل موجبات اینست و اسودگی عیبت مراقبات کافی بطور رسانیده بود لهذا  
 محض مرحمت از جانب سستی بخواست هایون شاهنشاهی خلد الله لکه و سلطان با عطا ی یکو شب کلنج  
 از ملبوس تن مبارک سرافراز گردید) (چون انتظام و انضباط امور چارچا پارخانهای ممالک محدود  
 اولیای دولت علیه عن مهات دولت میدانند که از بجا ری حالات سرحد و لغور نزدیک  
 دور از خبرنی و کلی یو با یو با مطلع و مستخرج بوده احتمال اتقاد امور ات مراقبات کافی در دست  
 شایسته ارک و اصلاح نماید لهذا عالیجاه مقرب المحضه انجا فائیه حسینیان مرتب شایسون را که  
 بوقور صداقت و کفایت و کاروانی موصوف و معروفست برای نظم چارچا پارخانها مقرر نمودند که صاحبان  
 و علمایان چارچا پار و امور چارچا پارها علاوه بر ابواب جمعی که داشت ابواب جمع ادب و یکو شب حیه کرمانی چون  
 نیز از ضد و قحانه مبارک با و خلعت مرحمت گردید) (چون مقرب الخاقان علیخان مرتب افواج فوج  
 در اموریت فارس مصدر خدمات عمده و نمایان شده بخصوصه در مقدمه جنگ کلین با فوج  
 ابواب جمعی خود غنهای رشادت و جلالت را کرده کوی سبقت از هکنان ر بوده از بازو و خم  
 مداره بر داشته بود خدمات جان نثار بجای او و خویش در خاک پای هایون اعلیحضرت شاهنشاهی  
 خلد الله لکه سلطان و در نظر اولیای دولت علیه درجه قبول و استخانت یافته منصب  
 سیرنجکی سرافراز و یکو شب حیه نرزمه برسم خلعت و حق و حمت گردید و صاحب مضبان و وفای  
 در جنگ جلالت نموده و ثبات قدم و وزید و بودند در حوز خدمات هر یک شان جلالت  
 مرحمت شده فوج مقرب الخاقان مشارالیه نیز لقب فوج منصور عنایت گردیده و ملقب بفرمان  
 منصور شدند **سایر ولایات (فارس)**  
 از قراریکه در روزنامه بند را بوشه نوشته اند عالیجاه محبت و سجدت اکتساب مقرب الخاقان  
 احمدخان در بابیکی و حاکم بند را بوشه و شتی و دشستان و مضافات که از دربار سعادت  
 هایون شاهنشاهی مأمور بحکومت نظام آن صفحات شده بود بعد از گذشتن از شیراز در هر یک از منازل عرض راه  
 الی بند را بوشه از جانب حکام و مباحثین لوازم استقبال و توقیر و احترام مقرب الخاقان مشارالیه بعمل

۲۳۳۸